

پایگاه شاعران از دیدگاه اسلام^۱

پیش از اسلام و مقارن ظهور اسلام ، شعر در عربستان تنها یک امر تفننی و ذوقی و مایه سرگرمی نبود ، بلکه اساساً " جزئی از زندگی عرب بود . هر قبیله شاعران بسیار داشت و یکی از آن میان به نام شاعر قبیله موسوم بود . اسلام بعضی از آداب و رسوم و سنن دوره جاهلی را تأیید نمود مانند : بسیاری از مناسک حج ، و برخی دیگر را منع کرد مانند : رباخواری ، شرب خمر و قمار بازی . اسلام که ظهور کرد نقد اخلاقی و دینی را هم به آنچه از میراث جاهلیت مانده بود افزود و اجتناب از لغو و فحش و سخنان کفرآمیز میزانی شد در نقد . قرآن هم اوج بلاغت شناخته شد و حد سخنوری . پیغمبر (ص) با آنکه شاعری را تشویق نکرد به شعر و شاعری گوش داد ، و خلفا و صحابه در منع از آن اصراری نکردند .

(علی بن عثمان هجویری صاحب (کشف المحجوب) گوید :

" شنیدن شعر مباح است و پیغامبر (ص) شنیدست ، و صحابه - رضوان الله علیهم - گفته‌اند و شنیده . قال النبی (ع) : ان من الشعر لحکمة ، از شعر شعری است که به حق حکمت باشد . گروهی گفته‌اند که شنیدن جمله اشعار حرام است و روز و شب غیبت مسلمانان می‌گویند ، و گروهی جمله آنها حلال دارند و روز و شب غزل و صفت زلف و خال بشنوند و اندرین بر یکدیگر حجج آرند . "

۱ - خلاصه سخنرانی آقای دکتر اسماعیل حاکمی که در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در تاریخ ۲۵۳۵/۳/۹ ایراد نمودند .

شمس قیس صاحب (المعجم) عقیده دارد که : " معرفت اشعار منظوم و اوزان مقبول برای شرف نفس و دانستن تفسیر کلام باری - عز شانه - و معانی اخبار رسول (ص) لازم است ...

در قرآن کریم در چند آیه آخر سوره (الشعراء) ، از شاعران مذمت و نکوهش شده است : " الشعراء يتبعهم الغاؤون " یعنی گمراهان و کسانی که از راه حق منحرف هستند از شاعران پیروی می کنند . " الم تر انهم فی کل وادیهیمون " ، آیا نمی بینی که آنها در هر وادی سرگردانند ؟ " و انهم یقولون مالایفعلون " ، و اینکه ایشان آنچه را که خود به جانی - آورند می گویند . از این گذشته قرآن با ابرام ، در سوره های مختلف آیات متعدد ، پیغمبر اکرم (ص) را از شعر و شاعری تنزیه کرده و ساحت او را از شاعری مبرا دانسته است . از جمله در سوره (الحاقه) می فرماید : " انه لاقول رسوم کریم " و ماهوب قول شاعر ، قلیلا " ماتوء نمون " . از این مطالب ممکن است تصور شود که اسلام به هنر شاعری روی خوش نشان نداده و آنرا محکوم کرده و مردود دانسته است . اما حقیقت غیر از این است و اسلام با شعر خوب و شاعر راستین مخالفتی نداشته است . پیغمبر اکرم (ص) بسیاری از شعرها را می ستود و شاعران را تحسین می فرمود .

(آیه الشعراء ... چنانکه مفسران اهل سنت و شیعه گفته اند بدون شک درباره چند تن از شاعران معاصر پیغمبر است که اشعار زشت در هجو آن حضرت گفته بودند ، مانند : مسافع بن عبد مناف ، امیه بن ابی الصلت ثقفی ، و ابو عزه عمرو بن عبدالله . و منظور آیه این است که محمد (ص) از سنخ این قبیل شاعران نمی باشد و قرآن کریم نیز از مقوله اشعار آنان نیست و مراد از (غا وون) سفها و گمراهان است .

همچنین گفته اند که مراد از آیه به طور عام شاعرانی است که چون خشمگین می شوند به ناروا سب و طعن می کنند و به طمع صله مدح ، و از روی حمیت جاهلیت هجو می گویند . قرآن پس از مذمت آن شاعران معهود ، عده ای دیگر از شاعران را از اینکه مشمول آن مذمت بشوند استثناء می کند و می گوید : الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله کثیرا " ... " که در اینجا شرای مؤمن را مستثنی کرده است . خاقانی شروانی به همین مطلب اشاره کرده و در قصیده های گفته است :

مرا به منزل الالذین فرود آور فروکشای زمن طمطراق الشعرا

مقصود از شرای مؤمن شاعرانی است که اشعارشان در زمینه توحید و ستایش و حکمت و اندرز و زهد و آداب نیکو و مدح پیامبر و صحابه و نیکان امت است ، و بعضی گفته اند مقصود

از کسانی که مستثنی شده اند شاعرانی چون : حسان بن ثابت و کعب بن مالک و عبدالله -
بن رواحه و سایر شعراء مؤمنان است ، و مخصوصاً " حسان بن ثابت ملقب به شاعر النبی
که هجوهای مشرکان را جواب می گفته است .

عوفی در لباب الالباب ، گوید : " سید المرسلین با آنکه نقش طراز جلال او بود که
" و ما علمنا بالشعر و ما ینبغی له " شعر حسان شنیدست و بر استماع آن احسان و تحسین
ارزانی فرموده و بر آن دعای خیر گفته . و نیز دیوان شعری به حضرت علی (ع) منسوب است
بنابر این شعر بذاته بد نیست و به قول انوری :

شعر در نفس خویشتن بد نیست ناله من ز خست شرکاست

که مقصود وی نااهلان و مدعیان شاعری است .

اسلام هجو و قدح و آبروریزیهای ناروا و تملقهای نابجا را طرد کرده است و اشعار
حکمت آموز و عبرت آمیز و مهیج در نظر اسلام محبوب و پسندیده است و درباره همین
نوع شعر است که پیغمبر اکرم (ص) می فرماید : (ان من الشعر لحکمة " ، و از این روست
که شعر را (سحر حلال) نامیده اند و نظامی گنجوی گفته است :

زین سحر سحر گهی که رانم مجموعه هفت سبع خوانم

برخورد حضرت ختمی مرتبت مخصوصاً " با کعب بن زهیر شایان توجه است . کعب
در آغاز اشعاری در هجو پیغمبر اکرم و ذم دین اسلام گفت و آن حضرت خون او را مباح
کرد ، اما بعداً " کعب از در عذر خواهی در آمد و قصیده های در مدح آن حضرت سرود و
چون به این بیت رسید که :

(ان الرسول لنور یستضاء به و صارم من سیوف الله مسلول

حضرت برد بیانی ای که در برداشتند از تن خود به در آوردند و به رسم خلعت به وی
بخشیدند .

حسان بن ثابت نیز از سوی پیغمبر اکرم (ص) مأموریت داشت تا هجوهای مشرکان
را جواب بگوید و حضرت به او می فرمود : " دشمنان را هجو کن ، روح القدس باتست " .
طبرسی در (مجمع البیان) آورده است که : نظر رسول اکرم را درباره شعر و شاعری پرسیدند ،
فرمود : " مؤمن هم با شمشیر جهاد می کند ، هم با زبان " . و در حدیثی فرمود : الشعراء
امراء الکلام .

نظامی در مخزن الاسرار ، به همین موضوع اشاره کرده است :

نامزد شعر مشو زینهار

تا نکند شرع ترا نامدار

کز کمرت سایه به جوار رسد
کالشعراء امراء الکلام
شاعری از مصطبه آزاد شد

شعر تو از شرع بدانجا رسد
شعر برآرد به امیریت نام
شعر به من صومعه بنیاد شد

که منظور نظامی این است که وی شعر را با زهد و تقدس پیوند داده است. پس همچنانکه در صدر اسلام و بعد از آن شعر عربی در خدمت تبلیغ و ترویج دین اسلام و زهد و تقوی به کار میرفت، در زبان فارسی نیز بسیاری از شاعران از سرودن غزل و مضامین عشقی و وصف روی و موی زیبا و خمیریات اعراض نمودند و به زهدیات روی آوردند که از آن میان می‌توان به حکیم نظامی گنجوی، ناصر خسرو قبادیانی، سنائی غزنوی، شیخ عطار و مولانا جلال‌الدین اشاره نمود.

نظامی درباره ارزش شاعری و مقام شاعر گوید:

قافیه سنجان که سخن برکشند	کنج دو عالم به سخن درکشند
خاصه کلیدی که در گنج راست	زیر زبان مرد سخن سنج راست
پرده رازی که سخن پروری است	سایه‌ای از پرده پیغمبری است
پیش و پسی بست صف کبریا	پس شعرا آمد و پیش انبیا

با آنکه بسیاری از عرفای بزرگ *** طبع شعر داشته و به فنون شاعری آشنا بوده‌اند کمتر گرد شاعری گشته‌اند، و چون ضرورت اقتضا می‌کرده صرفاً "در باب اخلاق و عرفان و زهد و تقوی و تزکیه" نفس سخن رانده‌اند چنانکه شیخ محمود شبستری عارف نامدار در گلش‌را: گفته است:

مرا از شاعری خود عار ناید
که در صد قرن چون مزار ناید
ناصر خسرو شعر را صرفاً "در راه تبلیغ دین و عقیده مذهبی به خدمت گرفت و خطاب به مداحان گفت:

من آنم که در پای خوکان نریزم
مرا این قیمتی در لفظ دری را

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری گوید:

شعر و عرش و شرع از هم خاستند
تا که عالم زین سه حرف آراستند

از مجموع این مطالب می‌توان چنین نتیجه گرفت که اسلام با شعر و شاعری به مخالفت برخاسته و تنها آنرا به موضوعات معینی محدود ساخته است. بیشتر شاعران عرب و ایرانی

به سائقه، نیروی ایمان در جهت تبلیغ و ترویج دین و اشاعه زهد و تزکیه، نفس‌گام برداشته و در این راه موفقیت‌های چشمگیری کسب نموده‌اند .

تنها در دوره خلفای اموی و عباسی و بعد از آن شعر توسط برخی از شاعران وسیله‌ای شد برای تبلیغ مقاصد خلفا و مداحی و ذکر شرب خمر و وصف مجالس لهو و لعب و بازی و تفریح . ولی دیوان اشعار بیشتر شاعران پراست از معارف اسلامی مانند : قرآن کریم و حدیث و فقه و کلام و فلسفه و کمتر دیوانی از این معانی خالی می‌باشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی